



گفتگوهای حقوق بشری با اروپا و فرصت‌های پیش‌رو

عزیزالله حاتم‌زاده *

اشاره:

حقوق بشر و موضع انتقادی اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، یکی از محورهای اصلی و دائمی در روابط دو طرف بوده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی گفتگوهایی بین ایران و اتحادیه اروپا درباره این موضوع آغاز شد که با نوساناتی تا حدود یک دهه بعد ادامه داشت و پس از آن متوقف شد. اخیراً پیشنهاد از سرگیری این گفتگوها یک بار دیگر مطرح شده است. در این نوشتار، ضمن بررسی مبانی و ابعاد تاریخی موضوع، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران در این زمینه، بررسی و راهبرد پیشنهادی ارائه خواهد شد.

مقدمه

دو طرف در این زمینه نسبت به یکدیگر افزایش یافت. با توجه به اینکه در شرایط کنونی حساسیت‌ها از موضوع هسته‌ای ایران برداشته شده است و ایران و اروپا برای توسعه روابط مصمم هستند، همچنین با توجه به قطع گفتگوهای حقوق بشری برای مدت بیش از یک دهه، به نظر می‌رسد که هم ایران و هم اتحادیه اروپا برای ادامه این گفتگوها مایل و مشتاق باشند به ویژه آنکه فرصت‌های قابل توجهی در پی این گفتگوها، در برابر کشورمان قرار خواهد گرفت.

در هفته‌های اخیر آقای لاریجانی رئیس قوه قضائیه ایران در مراسم بزرگداشت روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی، پیشنهاد آغاز گفتگوهای حقوق بشری را با اروپا مطرح کرد. وی خطاب به ستاد حقوق بشر قوه قضائیه پیشنهاد کرد با همکاری وزارت خارجه زمینه آغاز گفتگوهای حقوق بشری را با اروپا فراهم آورند. این اولین بار نیست که ایران و اروپا اقدام به گفتگو درباره حقوق بشر می‌کنند، پیش از این نیز در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی دو طرف گفتگوهای مفصلی را در این زمینه با یکدیگر انجام دادند. اما در سال ۲۰۰۴ این گفتگوها قطع شد و پس از آن نیز متأثر از برنامه هسته‌ای و فضای تنش‌آلود بین ایران و اتحادیه اروپا دیگر از سر گرفته نشد و اختلافات و انتقادات

اهمیت حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا

برای پرداختن به مسئله حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا، پیش از هر چیز باید جایگاه و اهمیت حقوق بشر را برای اتحادیه اروپا درک کرد و قوانین و قواعد اتحادیه در این زمینه را مورد توجه قرار داد. درک این مسئله به فهم چرایی و میزان حساسیت اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران کمک خواهد کرد. اگرچه کشورهای اروپایی تاریخی طولانی از استعمار ملت‌ها و نقض حقوق آنان دارند اما به دلایل مختلف در حال حاضر، مسئله حقوق بشر در سیاست خارجی آنان نقش بسزایی دارد.



در مجموع، می‌توان گفت اگرچه اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ممکن است در برخی موارد رویکرد دوگانه و تبعیض‌آمیز نسبت به مسئله حقوق بشر داشته باشند (ایران و عربستان)، اما واقعیت این است که این مسئله از اهمیت بالایی برای این اتحادیه و نهادهای مختلف آن برخوردار است، به گونه‌ای که اصلی‌ترین متحد آن (آمریکا) نیز از گزند انتقادات تند حقوق بشری توسط اتحادیه اروپا مصون نبوده است. معیارهایی مانند رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها از مهمترین معیارهای اتحادیه برای پذیرش اعضای جدید است و توسعه روابط با کشورهای جهان سوم منوط و مشروط به مسئله حقوق بشر می‌باشد.

حقوق بشر چالشی دائمی در روابط اروپا با ایران

با پایان جنگ سرد، ایران و اتحادیه اروپا به دنبال احساس نیاز برای تقویت روابط با یکدیگر، تلاش کردند اختلافات خود را حل کرده و روابط خود را گسترش دهند. ایران اگرچه از عملکرد برخی کشورهای اروپایی در حمایت از عراق در زمان جنگ رضایت نداشت اما برای توسعه روابط با اروپا مصمم و خوش‌بین بود. اروپا نیز متأثر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران را به عنوان بازیگری مهم در منطقه می‌دانست که می‌تواند تبدیل به شریکی مطمئن برای اروپا شود با این حال همچنان رویکرد انتقادی به ایران در سیاست‌های این اتحادیه در اولویت قرار داشت. با وجود این که اتحادیه اروپا در برخی نگرانی‌های ادعایی مانند حمایت از تروریسم، تلاش برای

جهانی‌شدن و تحولات ناشی از آن در اواخر قرن بیستم، تأثیر مهمی بر رونق حقوق بشر در سطح بین‌المللی داشت. اتحادیه اروپا به عنوان بازیگری نوپا در عرصه بین‌المللی با توجه به مبانی فرهنگی و نظام‌های سیاسی کشورهای عضو تبدیل به منادی و مدعی اصلی حقوق بشر شد. اگرچه از همان آغاز شکل‌گیری جامعه اروپایی مسائل مربوط به حقوق بشر مورد تأکید نهادها و مقامات آن قرار می‌گرفت، اما تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی نقش حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا چندان پررنگ نبود تا اینکه از اواخر این دهه و اوایل دهه ۱۹۹۰ این موضوع تبدیل به یک محور اصلی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا شد. بیانیه ۱۹۹۱ جامعه اروپایی، با جدیت بیشتری به این مسئله پرداخت و ضمن تأکید بر حقوق بشر به عنوان یک عنصر مهم در سیاست خارجی جامعه اروپایی، نقض سیستماتیک آن را در هر کشوری تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرد. در این بیانیه همچنین اعلام شد که اروپا در موافقتنامه‌های همکاری و گسترش روابط اقتصادی خود با کشورهای جهان سوم مسئله حقوق بشر را لحاظ خواهد کرد. کشورهای اروپایی همچنین اعلام کردند که آماده «گفتگوی باز و سازنده» با سایر کشورهای جهان برای ارتقای حقوق بشر در سطح بین‌المللی هستند. در بند [معاهده ماستریخت^۱ نیز از تقویت و توسعه احترام بین‌المللی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، به عنوان یکی از اهداف چهارگانه سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا نام برده شده است.

نهادهای مختلف اتحادیه اروپا سازوکار مستحکمی را برای نظارت و کنترل حقوق بشر در داخل اتحادیه و همچنین کشورهای دیگر ایجاد کرده‌اند. در میان نهادهای مختلف اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا بیشترین توجه را به مسئله حقوق بشر دارد. این نهاد از زمان تأسیس خود (۱۹۷۹) در مصوبات، گزارش‌ها، قطعنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف مسئله حقوق بشر را به طور ویژه مورد توجه قرار داده و به عنوان مثال در اوایل دهه ۱۹۹۰ موافقتنامه‌های اتحادیه اروپا با کشورهایمانند ترکیه، سوریه، مراکش و اسرائیل را به خاطر مسائل حقوق بشری تصویب نکرد. کمیسیون اروپایی و شورای وزیران نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه دارند.

1. Maastricht Treaty
2. Common Foreign and Security Policy

سال ۱۹۹۷ با صدور حکمی توسط دادگاه میکنونوس در محکومیت ایران، کشورهای اروپایی این مذاکرات را قطع و سفرای خود را از ایران فراخواندند؛ ایران نیز در اقدامی متقابل، سفرای خود را از کشورهای اروپایی فراخواند.

با روی کار آمدن دولت هفتم در ایران و بازگشت سفرای دوطرف، گفتگوها در سطحی بالاتر تحت عنوان گفتگوی فراگیر^۳ از سر گرفته شد. اروپا در این گفتگوها بیش از پیش بر مسئله حقوق بشر تأکید کرد و توسعه روابط با ایران را منوط به وضعیت حقوق بشر در این کشور دانست. این در حالی بود که دولت جدید ایران نیز توجه و تأکید به مسائل حقوق بشری در سیاست‌های داخلی و خارجی خود را اعلام کرد. در راستای گفتگوهای سازنده، شورای وزیران اتحادیه اروپا در اکتبر سال ۲۰۰۲ طرح گفتگوی حقوق بشری با ایران را مطرح کرد که با استقبال ایران مواجه شد. اولین دور این مذاکرات نیز در تاریخ ۱۵ و ۱۶ دسامبر ۲۰۰۲ در تهران برگزار شد و نمایندگان دوطرف متشکل از کارشناسان، نمایندگان جامعه مدنی و مقامات دولتی به گفتگو با یکدیگر پرداختند. پس از چهار دور گفتگوی حقوق بشری، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ بیانیه شدیدی را در انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران صادر کرد و ادعا نمود به‌رغم گفتگوهای صورت گرفته هیچ‌گونه پیشرفتی در وضعیت حقوق بشر در ایران صورت نگرفته است. دولت ایران نیز در اعتراض به این اقدام اتحادیه اروپا، اقدام به قطع گفتگوها کرد.

از این پس، بار دیگر انتقادات شدید و صدور قطعنامه‌های متعدد توسط اتحادیه اروپا و عمدتاً پارلمان اروپایی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران تشدید شد. پارلمان اروپا در ده سال گذشته حدود ۲۰ قطعنامه در رابطه با موضوعات حقوق بشری در ایران تصویب کرد و علاوه بر این، بر تلاش و حمایت خود برای تصویب قطعنامه‌های ضدایرانی در زمینه حقوق بشر در نهادهای بین‌المللی افزود. این رویکرد اروپا ضمن کمک به اعمال تحریم‌های حقوق بشری بر ضد ایران، باعث تقویت ایران‌هراسی شده و در طول این سالها تصویری خشن و غیرواقعی از ایران به ویژه برای شهروندان اروپایی ایجاد کرده است. مسئله هسته‌ای ایران و کاهش سطح روابط با اروپا در دولت قبل، بر حساسیت‌های این اتحادیه در مورد حقوق بشر افزود و هزینه‌های زیادی را از جنبه‌های مختلف به جمهوری اسلامی ایران

کسب سلاح‌های کشتار جمعی و مخالفت با فرایند صلح اعراب و اسرائیل توسط ایران، با آمریکا هم‌عقیده بود، اما موضوع حقوق بشر در صدر اولویت‌های آن در رابطه با ایران قرار داشت.

در این مقطع، از یک سو همانطور که گفته شد موضوع حقوق بشر در سیاست خارجی اتحادیه اروپا برجسته شد و از سوی دیگر مسائلی در رابطه با ایران و کشورهای اروپایی پیش آمد که حقوق بشر را به دغدغه اصلی کشورهای اروپایی تبدیل کرد. بنابراین، اتحادیه اروپا گفتگوهای انتقادی^۱ را با ایران آغاز کرد تا به نوعی اعتراض و نارضایتی خود را از وضعیت حقوق بشر در ایران نشان دهد. موضوع فتوای قتل سلمان رشدی و ادعای قتل مخالفان نظام جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی توسط نیروهای امنیتی ایران، از اصلی‌ترین محورهای مورد اعتراض اتحادیه اروپا در این مقطع بود. در این چارچوب گفتگوی انتقادی اروپا با ایران در قالب نشست‌های تروئیکا^۲ با نمایندگان ایران به صورت دوبار در سال برگزار می‌شد و همزمان پارلمان اروپا قطعنامه‌هایی را در محکومیت وضعیت حقوق بشر در ایران تصویب می‌کرد.

طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ هفت دور گفتگوی انتقادی بین ایران و تروئیکای اتحادیه اروپا برگزار شد و اگرچه حقوق بشر تنها محور این مذاکرات نبود اما مهمترین محور به شمار می‌آمد. موضوع سلمان رشدی مهمترین مسئله‌ای بود که بر این مذاکرات سایه انداخت. پس از آن در

1. critical dialogue

۲. ترکیبی از سه دوره‌ای گذشته، فعلی و آینده اتحادیه اروپا که در سازوکارهای کنونی اتحادیه دیگر وجود ندارد.

3. compressive dialogue

تحمل کرد. اگرچه موضوع حقوق بشر توسط اروپا در رابطه با ایران در برخی مواقع، به عنوان ابزار و اهرمی برای فشار و تغییر رفتار ایران به کار برده شده، اما واقعیت این است که به هر صورت این مسئله برای اتحادیه اروپا به ویژه در رابطه با ایران همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تأثیر زیادی در رویکرد اتحادیه به ایران داشته است.

استفاده از فضای پسابرجامی برای حل مشکل حقوق بشر

با روی کار آمدن دولت یازدهم و رویکرد مثبت آن نسبت به گسترش تعامل با اتحادیه اروپا و مهمتر از همه حل شدن بحران هسته‌ای، فرصت مناسبی برای از سرگیری گفتگوهای حقوق بشری فراهم شده است. اگرچه گفتگوهای حقوق بشری با اروپا همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است که نتیجه‌بخش بودن آن را دشوار و یا حداقل به تأخیر انداخته است، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، آغاز و پیگیری این گفتگوها، فرصت‌ها و دستاوردهای بیشتری را نصیب کشورمان می‌کند. مهمترین این فرصت‌ها عبارتند از:

کاهش فشارها و غیرامنیتی کردن مسئله حقوق بشر

گفتگو اساساً فرصت‌ساز است. از طریق گفتگو، حتی می‌توان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. تجربه گذشته نشان داده که گفتگوهای حقوق بشری با اروپا مثبت بوده است؛ بر عکس، هنگامی که این گفتگوها قطع شده، فشارها بر ایران افزایش پیدا کرده است. همانطور که گفته شد، در یک دهه گذشته که گفتگوهای حقوق بشری ایران با اروپا در تعلیق بوده، تعداد قطعنامه‌های ضدایرانی در زمینه حقوق بشر که توسط نهادهای اروپایی تصویب شده‌اند، افزایش شدیدی یافته است تا جایی که اروپا تحریم‌های حقوق بشری را علیه افراد و نهادهای ایرانی نیز وضع کرده است. بنابراین، صرف نفس گفتگو در این زمینه مثبت بوده و بر سکوت و قطع گفتگو ارجحیت دارد. این مسئله هنگامی اهمیت دوچندان می‌یابد که تصویر ارائه شده از ایران در یک دهه اخیر در جهان و به ویژه نزد شهروندان اروپایی مورد توجه قرار داده شود. تصویری که بر اساس آن، ایران به هیچ عنوان اهل گفتگو و تعامل با جامعه جهانی نیست. با توجه به روند گفتگوهای هسته‌ای و ارائه تصویر واقعی ایران در این مذاکرات به جامعه جهانی، تداوم این روند در قالب گفتگوهای حقوق بشری با اروپا ضمن مخدوش کردن بیش از پیش

تصویر نادرست ایران، می‌تواند به تثبیت و تقویت تصویر مثبت از کشورمان (که در جریان مذاکرات هسته‌ای به جهان ارائه شد) کمک نماید.

دستاورد مهم دیگر در صورت پیشبرد گفتگوها در این زمینه، غیرامنیتی شدن مباحث حقوق بشری ایران خواهد بود. با اینکه حقوق بشر اساساً یک مسئله فرهنگی و حقوقی است، با تبلیغات و فشارهای مختلف اروپا و آمریکا در این سالها به نوعی تبدیل به یک موضوع سیاسی و امنیتی در رابطه با کشورمان شده، به گونه‌ای که تحریم‌های اقتصادی را نیز به دنبال داشته است. گفتگو این فرصت را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند تا مسائل حقوق بشری را از قالب سیاسی خارج کرده و آن را در چارچوب حقوقی و فرهنگی قرار دهد و بدین ترتیب گفتگوی متقابل حقوقی- فرهنگی با اروپا را جایگزین جریان سیاسی و یک طرفه کنونی سازد.

تسریع در توسعه روابط با اروپا

جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا همواره برای گسترش روابط، تمایل و تلاش داشته‌اند اما موانع مختلفی در مقاطع گوناگون بر سر راه گسترش این روابط وجود داشته است. یکی از مهمترین موانعی که همیشه بر روابط ایران و اروپا سایه افکنده، موضوع حقوق بشر است. این در حالی است که دولت فعلی از همان آغاز، توجه ویژه‌ای به گسترش روابط با اروپا داشته و اتحادیه اروپا نیز به ویژه پس از برجام خواستار تقویت روابط با ایران بوده است و تلاش‌ها و اقدامات زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته است. با این

حال مسئله حقوق بشر با توجه به فضای موجود در سال‌های گذشته و انتقادات تند و تحریم‌های اتحادیه اروپا در این زمینه، به مثابه مانع مهمی در این راه به شمار می‌آید که روند گسترش روابط را کند کرده و مؤثر بودن این روابط را تحت الشعاع قرار داده است به گونه‌ای که نمی‌توان بدون پرداختن به مسئله حقوق بشر به توسعه سطح روابط ایران و اروپا امیدوار بود. در این میان نکته مهم آن است که برخلاف دهه ۱۹۹۰ موضوعات حقوق بشری مطرح شده از سوی اتحادیه اروپا بیشتر از قبل، قابل گفتگو بوده و عمدتاً ناشی از سوء تفاهم و یا اطلاعات غلط و بی‌اساسی است که گفتگو درباره آنها، امکان رفع نگرانی‌ها و حساسیت‌های اروپا در این زمینه را تسهیل می‌کند. به طور کلی، در حال حاضر انتقادات اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران در چند محور متمرکز است: شکنجه و مجازات‌هایی مانند اعدام و سنگسار، نقض حقوق کودکان، نقض حقوق اقلیت‌ها و نبود آزادی سیاسی و اجتماعی برای شهروندان و فعالان سیاسی. بر این اساس آنچه حقوق بشر را تبدیل به مسئله در روابط ایران و اروپا کرده است بیش از همه به تفاوت ادراک دو طرف از موضوعات بازمی‌گردد. اگرچه این امر در ذات خود، مشکل‌ساز بوده اما گفتگو می‌تواند فرصت مناسبی برای نزدیکی این ادراک‌های متفاوت برای طرفین ایجاد کند. همچنین تجربه چهار دور گفتگوی حقوق بشری در گذشته به کارشناسان و مقامات زیربند دوطرف این امکان را داد تا با دیدگاه‌های طرف مقابل آشنا شوند و متغیرهای فرهنگی و حقوقی تأثیرگذار بر

این اختلافات را شناسایی کنند. از این رو تداوم گفتگو می‌تواند به تقویت درک متقابل و رفع سوء تفاهمات کمک کند.

تضعیف و بی‌اعتبار کردن تبلیغات جریان‌های معاند نظام
بخش زیادی از گروه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران چه به صورت فردی و چه سازمانی در اروپا مستقر هستند و با استفاده از فضای مساعد کشورهای اروپایی و در پوشش قوانین و آزادی‌های موجود در این کشورها به فعالیت و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهند. این در حالی است که گروه‌ها، افراد و رسانه‌های منتسب به آنان از مهمترین بازیگران در زمینه اعمال فشارهای حقوق بشری به ایران و در سطحی کلان‌تر پروژه ایران‌هراسی بوده‌اند. در شرایط فقدان رابطه و گفتگوی مستقیم حقوق بشری بین ایران و اتحادیه اروپا، این گروه‌ها و اخبار و اطلاعات ادعایی آنان، منبع و مبنای رویکرد اتحادیه اروپا به وضعیت حقوق بشر در ایران قرار می‌گیرد. در حالیکه اگر گفتگو و ارتباط حقوق بشری بین ایران و اتحادیه اروپا در سطوح مختلف سیاسی، علمی، دانشگاهی و حتی نهادهای مذهبی افزایش یابد، میزان نفوذ و تأثیرگذاری این گروه‌ها در مواضع حقوق بشری نسبت به ایران کاهش یافته و جایگاه آنها در نزد اتحادیه اروپا، تنزل آشکاری پیدا خواهد کرد.

گفتمان حقوق بشری فقه اسلامی - شیعی و پویایی‌های آن
یکی از انتقادات دائمی اروپایی‌ها نسبت به ایران این است که با وجود مذاکرات و گفتگوهای فراوان، جمهوری اسلامی در عمل، اقدام خاصی در زمینه حقوق بشر انجام نداده است. بر این اساس در سال ۲۰۰۴ در حالیکه دور چهارم گفتگوهای حقوق بشری در جریان بود، اتحادیه اروپا در یک بیانیه شدیدالحن، ایران را به نقض گسترده حقوق بشر و عدم پیشرفت در این زمینه متهم کرد. این در حالی است که واقعیت موجود خلاف این ادعا بوده است و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق گفتگو، تحولات حقوقی و نهادی خود را در زمینه حقوق بشر طی این سالها اثبات نماید؛ تحولاتی که بیش از آنکه نتیجه فشار بیرونی باشد، عمدتاً ناشی از مسائل داخلی بوده که پویایی‌های فقه شیعی و نظام حکومتی جمهوری اسلامی آن را امکان‌پذیر ساخته است. به عنوان مثال، شکل‌گیری کمیسیون حقوق بشر اسلامی، کمیته حقوق بشر در



که نقش زیادی در به ثمر رسیدن مذاکرات داشت. در این مذاکرات کارشناسان سازمان انرژی اتمی تحت هدایت و مدیریت وزارت خارجه مباحث فنی را مطرح کرده و از منافع ایران دفاع می‌کردند. این الگو می‌تواند درباره مذاکرات حقوق بشری با اروپا نیز نتیجه‌بخش باشد، به ویژه با توجه به رویکرد مثبت و مساعدی که کشورهای اروپایی در فضای کنونی نسبت به وزارت خارجه دارند.

نکته دوم اینکه عنوان این روند باید گفتگو^۱ باشد نه مذاکره^۲؛ زیرا هر کدام از این مفاهیم بار سیاسی و حقوقی مختص به خود را دارد. پذیرش عنوان مذاکره از سوی ایران به معنای پذیرش دخالت اروپا در امور داخلی ایران و مسائل حقوق بشری است، اما گفتگو ضمن اینکه مانع از این مداخله می‌شود، جریان یک‌طرفه را تبدیل به یک روند متقابل کرده که در ضمن آن ایران نیز می‌تواند مواضع و انتقادات خود را نسبت به اروپا بیان کند. از این رو تفهیم و ترسیم مرز حقوق بشر و مداخله در امور داخلی ایران باید یکی از پایه‌های اساسی گفتگوهای حقوق بشری با اتحادیه اروپا به شمار آید.

1. Dialogue
2. Negotiation

مجلس شورای اسلامی، دپارتمان حقوق بشر در وزارت خارجه و ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در دو دهه گذشته از مهترین مصادیق پیشرفت ایران در زمینه حقوق بشر بوده است. علاوه بر این، مواد و قواعد حقوقی و عرفی در ایران طی این سالها روزه روز انطباق بیشتری با معیارهایی حقوق بشری پیدا کرده است و قوانین موجود در کشور حاکی از این است که اشتراکات زیادی بین رویکرد ایران و رویکرد اروپایی به حقوق بشر وجود دارد (اصول ۳، ۶، ۷، ۱۹، ۱۴، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۲۷، ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). با وجود اصلاحات و تحولات سازنده در نظام حقوقی کشور، حجم‌ها و تبلیغات گسترده باعث شده تا نظام حقوقی و سیاسی - اجتماعی ایران به عنوان یک نظام ایستا و خشن معرفی شود که هیچ‌گونه تناسبی با واقعیت‌های امروز داخلی و بین‌المللی ندارد. گفتگو با اروپا این امکان را فراهم می‌سازد تا ضمن ارائه و توضیح موارد این تغییرات، درک روشنی در بین مقامات نهادهای اروپایی درباره فقه شیعی - اسلامی و گفتمان حقوق بشری مندرج در آن ایجاد کرد و نشان داد که نظام فقهی جمهوری اسلامی در ذات خود تضادی با حقوق بشر ندارد، هر چند ممکن است در برخی معیارها و مصادیق، تفاوت‌هایی با مدل غربی و اروپایی حقوق بشر داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نفس گفتگوی حقوق بشری با اروپا مطلوب است و حداقل به محض شروع این گفتگوها فشار بر ایران در این زمینه کاهش می‌یابد اما دستاوردها و دورنمای بلندمدت آن بستگی به عزم جدی و آمادگی ایران برای این گفتگوها دارد. از این رو درباره راهبرد ایران در این زمینه چند نکته حائز اهمیت است.

نخست اینکه این گفتگوها باید با مدیریت و هدایت وزارت خارجه و دیپلمات‌های مجرب در این حوزه صورت بگیرد. بدیهی است که کارشناسان قوه قضائیه الزاماً باید در ترکیب تیم ایرانی حضور داشته باشند، اما هدایت این روند باید به عهده نهاد وزارت خارجه باشد. این الگوی مذاکراتی امروزه تبدیل به یک الگوی جهانی شده است و کشورهای مختلف حتی مذاکرات بین‌المللی مربوط به محیط زیست خود را با مدیریت و هدایت وزارت خارجه و با استفاده از کارشناسان محیط زیست تحت هدایت دیپلمات‌ها انجام می‌دهند. جمهوری اسلامی این الگو را درباره برجام پیاده کرد

